

## توسعه تدریجی مالکیت معنوی

بررسی تاریخچه حقوق مالکیت فکری ملاحظه می شود کشورهای توسعه یافته به تناسب

برداشتن گام های موثر در عرصه علم و صنعت به قوانین مرتبط با مالکیت فکری در

زمینه های مختلف و توسعه آن پرداخته اند. با توجه به حساسیت و ضرورت موضوع مقاله

حاضر از خبرنامه حقوق فناوری را خدمت شما ارائه می کنیم تا گامی موثر برای اعتلای

توسعه پایدار در کشور باشد.

## الف) ثبت اختراعات ۱

مفهوم سیستم های پروانه ثبت اختراع، بسیار قدیمی است و یکی از اولین سیستم های اصلی

در دوره ملکه الیزابت در انگلیس بوده است.

رویه انتقال تکنولوژی و شروع به کار صنایع جدید، یک موضوع تازه نیست. در انگلیس،

این موضوع از قرن دوازدهم رشد کرد و این امتیازات خاص تا قرن ۱۴ به وسیله سلطنت

برای حمایت از اشخاص ایجاد شده بود.

هنگامی که آنها صنایع جدید را مبتنی بر تکنولوژی وارداتی ایجاد می کردند، این حمایت

به شکل معرفی تکنولوژی جدید با حق انحصاری برای یک دوره نسبتاً طولانی به منظور

استفاده از آن و تعلیم به دیگران اتخاذ شده بود. این حق انحصاری، در دوره سال های

سخت شکل گیری مورد حمایت بود و در رقابت به اشخاص سودهایی را اعطا می کرد.

همچنین، موجب پیشرفت در صنعت جدید و تحکیم استقلال کشور بیش از پیش می‌گردید.

چنین حقوق موقتی، همواره توسط نامه‌های سرگشاده که حاوی پروانه ثبت اختراع بود اعطا می‌شد و آن نامه، شامل یک مهر در پایین و یک مهر در بالای نامه بود و همواره توسط یک ابلاغ اداری به عموم انجام می‌شد. به طور اساسی، این موضوع برای تشویق صنایع جدید طرح شده بود و نهاد اعطاکننده چنین حقوقی، با به کارگیری آن به عنوان یک وسیله برای افزایش درآمد سلطنت، از آن سیستم سوءاستفاده می‌کرد.

یکی از پرونده‌های بسیار مشهور، پرونده (Cloth workers of Ipswich) است، که در سال ۱۶۱۵ مطرح شد. به هر حال، در صورتی که یک نفر در یک اختراع جدید و یک تجارت جدید در قلمرو پادشاهی، با به مخاطره انداختن زندگی، دارایی و موجودی و... اقدام می‌نمود، یا در صورتی که یک نفر یک کشف جدید از هر چیز به عمل می‌آورد، پادشاه جبران هزینه‌هایش را تایید می‌کرد و وی را همراهی می‌کرد. همچنین با اعطای امتیازاتی به او مقرر می‌نمود تا وی از یک چنین تجارتی استفاده و برای یک زمان معین داد و ستد کند. زیرا در ابتدا مردم انگلیس ناآگاه بودند و آشنایی و مهارت لازم برای

استفاده از آن موضوع جدید را نداشتند و زمانی که دوره ثبت خاتمه یافت، پادشاه نمی توانست مجدداً آن را اعطا کند.

به هر حال، سوءاستفاده از اعطای حقوق خاص تا سال ۱۶۲۸ استمرار یافت، تا زمانی که قانون انحصارات تصویب شد. این قانون، اعلام کرد که همه انحصارات باطل می شود، مگر در موارد استثنا.

از این پس، هر ثبت اختراعی، با اعطای امتیاز برای ۱۴ سال بر مبنای انحصار کار یا ایجاد هر روش ساخت جدید در چارچوب یک منطقه فعالیت صادر می شد، با این شرط که این

حق برای استفاده اولین مخترع چنین مصنوعی است و دیگران در زمان اعتبار چنین حقی نباید از آن استفاده کنند.

البته آن سیستم، به روش های علمی توسعه یافت اما یادآوری این نکته مفید است که حق ثبت های ایجاد شده، به عنوان یک ابزار برای انتقال تکنولوژی و ایجاد صنعت جدید مورد استفاده قرار می گرفت.

رویه رو به رشد دریافت آن حقوق، نیازمند به توصیف ماهیت فنی ساخت جدید و روش مدرن یک اختراع بود که شامل مثال هایی درباره چگونگی پیروی از آن روش خاص از ادعاهایی که برای تعریف قلمرو فنی حق قانونی اعطا شده به وسیله آن حق به کار

می‌رفت، بود. حق ثبت خاص، هنگام انتشار همچنین دارای اهداف اساسی دیگری بود و اطلاعات راجع به اختراعات جدید را نیز منتشر می‌کرد به طوری که:

الف) آن اختراع پس از خاتمه زمان می‌توانست به وسیله دیگران مورد استفاده قرار بگیرد.

ب) آن اختراع مورد تعریف می‌توانست موجب انگیزه و توسعه بیشتر در هدایت تکنولوژی شود.

ب) علایم تجاری ۲

علایم تجاری، مولود زمان ما نیست اگرچه به طور حتم ماهیت و حضور آن، حداقل در کشورهای دارای اقتصاد بازار، وجود داشته است. علایم تجاری، به عنوان علایم اصلی به وسیله سازنده یک کار، سرمقاله، کتاب، سلاح، ظروف و اشیای دیگر، حتی در فرهنگ کهن نیز چسبانده می‌شده است. این علایم، معمولاً به صورت حروف بود.

اولین حرف یا علایم در روی کالاها چاپ می‌شد تا سازنده آن محصول را مشخص کند.

به طور حتم این علایم، وظایف زمان حاضر را برای تسهیل در توزیع کالاها در یک

اقتصاد پیچیده اعمال نمی‌کرد با وجود این، یک نقش مهم در حقوق علایم تجاری تا

امروز در بر داشت. یعنی آن علایم، یک رابطه بین کالاها و سازنده‌شان ایجاد می‌کنند.

چنین علایمی، همچنین به عنوان علایم مالک استفاده می‌شوند.

علایم خاص، در رشد تولید کالاها برای صادرات به اندازه کافی موثر بود. قبل از عصر صنعت، کالاهایی مانند تولید فولاد، اسلحه‌ها و وسایلی که علایم سنتی سازندگان انگلیسی را حمل می‌کردند، در انگلیس قدیم ساخته شده بود. واقعیت دیگر این است که آن کالاها از فلزات تمام‌عیار بود.

حتی امروز نیز آن علایم به وسیله سازندگان قوری یا سینی‌های نقره‌ای در آگوس برگ، بران شویک، لندن، پاریس، آمستردام یا پترزبورگ (نام قدیم لنینگراد) چسبانده می‌شود و در شانزدهمین و هفدهمین کشورها، هنوز به عنوان استانداردهایی برای تعیین کیفیت و ماهیت چنین کالاهایی به کار می‌رود.

اصناف، یکی از حامیان اقتصادی در زمان‌های اولیه بودند که اغلب حتی اعضا و روسای صنایع مختلف را به چسباندن این علایم به محصولاتشان، به منظور کنترل اجرایی بر تولیدات ملزم می‌کردند.

علایم تجاری با پذیرش نقش موجود خود در دوره قرن اخیر شروع شد. ورود تولیدات زیاد، تاسیس سیستم بسیار پیچیده توزیع کالاها از تولیدکننده به مصرف‌کننده، رشد تجارت کالاها، نیاز به درخواست جهانی تعیین کالاها، کالاهایی که باید جدا از نام طبیعی خود، نامیده شوند. برای مثال، استفاده از تجهیزات، کبریت‌ها و... با علایم تجاری، موجب

شد تا کپی کردن آنها نیز افزایش یابد. چاقوها و چنگال‌های ارزان می‌توانند به عنوان قاشق و چنگال گرانتیتمت با نمونه علامت شرکت‌های سازنده آن، به مردم قالب شوند.

البته موضوعات بی‌شماری هستند که در اینجا فهرست شده‌اند و معمولاً دارندگان علائم، توانایی توقف تقلید از آن را ندارند. در ابتدا علامت‌گذاری برای کالاها هیچ حق شناسایی شده‌ای را مقرر نمی‌کرد و حقوق عمومی، آن‌چنان گسترش نیافته بود که چنین تقلیدکنندگانی را بتواند به عنوان یک اقدام مستقیم یا به زبان دیگر به عنوان یک اقدام برخلاف رویه تجاری صادقانه مورد تعقیب قرار دهد.

به هر حال، در آن دوره زمانی جبران خسارت به وسیله دادگاه‌ها یا قانونگذاری برای توقف تخلف از حقوق علائم تجاری توسعه یافت. در انگلیس، جبران چنین تخلفاتی به وسیله دادگاه‌ها، از اواسط قرن اخیر توسعه یافت. در اینجا کافی است خاطر نشان شود، زمانی که استفاده‌کننده یک علامت تجاری به نظر محق است تا دیگران را از تصاحب عمدی شهرت و اعتبار خود محروم کند، تحت آن علامت حقوقش را توسعه داده است.

این امر، موجب تحقق شهرت آن علامت بود و هیچ کس محق نبود تا کالاهایش را به عنوان اینکه از دیگران است، جا بزند. قانون انگلیس، در آن زمان در تعدادی از کشورها، از جمله منطقه آمریکای شمالی لازم‌الاجرا بود.

حقوق ایالات متحده، تعداد زیادی موضوعات مشترک با سیستم حقوقی پادشاهی انگلیس دارد. اما در مجموع، از آن جدا و مستقل است. در زمینه علایم تجاری دادگاه‌ها، مشابه احکام دادگاه‌های انگلیس تصمیم می‌گرفتند. عاقبت، اتحاد مالکان علایم تجاری به اندازه کافی نیرومند و قوی شد تا قوه مقننه فدرال و کنگره را برای تصویب یک قانون علامت تجاری متقاعد کند. این امر در سال ۱۸۷۰ انجام شد اما این قانون فقط برای هفت سال پایدار ماند تا زمانی که مغایر قانون اساسی اعلام شد.

به هر حال آن قانون در سال ۱۹۰۵ برداشته شد تا یک قانون علایم تجاری جدید به طور جامع مقرر شود. جالب این است که در همان سال انگلستان هم یک قانون علائم تجاری جدید تصویب کرد. در قاره اروپا نیز در نتیجه فقدان یک سیستم شبیه انگلیس، حمایت از علائم تجاری می‌توانست به وسیله مجالس قانونگذاری پذیرفته شود. یکی از اولین کشورهای اروپایی که یک قانون جامع را در سال ۱۸۷۵ تصویب کرد، فرانسه بود. این قانون، قریب به بیش از یکصد سال باقی ماند.

تعدادی از کشورهای اروپایی مثل آلمان و ایتالیا، هنوز راه درازی در پیش داشتند و باید به یک توافق ملی در این باره می‌رسیدند. بنابراین، در آلمان اولین حمایت قانونی برای ثبت علائم تجاری در سال ۱۸۷۴ مقرر شد و سه سال بعد، با صدور یک حکم به طور آرام قلمرو آن قانون محدود شد و فقط علائم تصویری مجاز به ثبت شد. اولین مصوبه جامع در

آلمان، در سال ۱۸۹۶ اتفاق افتاد و توسعه آن در کشورهای همجوار به طور مشابه به تدریج صورت گرفت.

توسعه، در قانون علائم تجاری در این کشور می تواند تحت چند عنوان خلاصه شود:

◀ استفاده یا ثبت به عنوان مبنای ایجاد حقوق

◀ شناسایی روش های نوین علائم تجاری که مورد بهره برداری قرار گرفته است.

◀ شناسایی نظریات نوین حمایت از علائم تجاری.

این توسعه، فقط به وسیله قانونگذاری صورت پذیرفت، بلکه در بسیاری از موارد، خطوط با اهمیت آن به وسیله تصمیمات دادگاه ترسیم شد.

تا آنجایی که مبنایی برای ایجاد حقوق باشد ما می توانیم توسعه های جالب را بینیم. اصلی که استفاده از حقوق (ثبت نشده) را ایجاد می کند اکنون فقط در ایالات متحده و در فیلپین حفظ شده و بعضی موارد شکل آن در کانادا اصلاح شده است.

همه کشورهای دیگر، ثبت را حداقل به عنوان یک مبنای معادل برای ایجاد حقوق علائم تجاری شناسایی کردند. بعضی کشورها در گذشته دارای سیستمی بودند که استفاده ساده



را به عنوان مبنای معادل برای کسب حقوق شناسایی کرده بودند که این حقوق، زمانی که ثبت به آن اعتبار لحاظ شده باشد در معنای رسمی تحقق خواهد یافت.

این واقعیت، در فرانسه تحقق یافت. جایی که یک قانون جدید در سال ۱۹۶۴ تصویب شد و کشورهای بنلوکس با یکدیگر یک علائم تجاری واحد در ۱۹۷۰ تشکیل دادند. از سوی دیگر، آلمان فقط ثبت را اجرا کرده بود. در اینجا، دادگاهها در نهایت پذیرفتند که استفاده، معرف یک شهرت در بازار است که تاثیر برابر دارد. قانونگذار، از این جریان در سال ۱۹۳۶ پیروی کرد.

در اواخر دهه ۳۰، قانون علائم تجاری در آلمان فعال شد و تاکنون نیز آن قانون جاری است. قانون بریتانیا در ۱۹۳۸، همچنین قانون علائم تجاری ایتالیا در ۱۹۴۲ و قانون علائم تجاری ایالات متحده در ۱۹۴۶ لازم الاجرا شد.

شناسایی روش های جدید بهره برداری از علائم تجاری به قانون علائم تجاری انگلیس مربوط بود. (و از روش های آن قوانین علائم تجاری کشورهای زیادی از جمله کشورهای مشترک المنافع پیروی می کنند).

از سال ۱۹۳۸، واگذاری علائم تجاری بدون انتقال همزمان تجارت مربوط به صراحت شناسایی شد. آن قانون، همچنین اعطای مجوزهای علائم تجاری در چارچوب توافقات استفاده کننده ثبت شده را مجاز می کرد. قانون علامت تجاری ایالات متحده، بسیار

سخاوتمندانه با انتقالات مواجه شده است (واگذاری یا حسن نیت به صورت علامتی که معتبر است). آن قانون، همچنین اعطای مجوز علائم تجاری را مجاز می‌کند و نیز ثبت توافقات اعطای مجوز را الزام نمی‌کند اما حسن نیت به صورت علامتی که معتبر است. آن

قانون، همچنین اعطای مجوز علائم تجاری را مجاز می‌کند و نیز ثبت توافقات اعطای مجوز را الزام نمی‌کند اما مقرر می‌دارد که دارنده مجوز می‌بایست کنترل اجرایی نسبت به ماهیت و کیفیت کالاهای ساخته شده به موجب آن مجوز را اعمال کند.

بسیاری از مجالس قانونگذاری در اروپا، اکنون منتظر نتیجه تلاش‌های بازار مشترک قبل از مدرنیزه شدن در این باره هستند. همچنین سوئیس و استرالیا این توسعه‌ها را با علاقه بیشتری مورد توجه قرار می‌دهند. استرالیا به تازگی قانونش را با مجوز برای انتقال آزاد علائم اصلاح کرد. یعنی چیزهایی که قانون علائم تجاری آلمان هنوز مجاز نکرده است. تا آنجا که شناسایی نظریات جدید برای حمایت از علائم تجاری مطرح باشد، می‌توان به قانون ۱۹۸۳ انگلیس و قانون علائم تجاری ۱۹۷۰ بنلوکس استناد کرد.

قانون انگلیس، برای اولین بار حقوق جدیدی را برای مالک علائم تجاری ایجاد کرد. یعنی آن حقوق هر نوع استفاده از علامت تجاری را صرف نظر و بدون توجه به اینکه آیا احتمال سردرگمی وجود دارد یا نه ممنوع می‌کند. بنابراین، در حقوق انگلیس به نظر می‌رسد، در جایی که یک رقیب یک محصول با علامت تجاری ارائه می‌کند، برای اینکه

سود بیشتری در تولیداتش به دست آورد، ممکن است به نقض علائم تجاری محکوم شود.

قانون بنلوکس، همچنین یک حق جدیدی ایجاد کرد با ممنوعیت هر نوع استفاده‌ای که سبب خسارت به مالک علامت تجاری - بدون توجه به مشابهت کالاها - شود. این مثال‌ها، مبین عقیده سنتی علائم تجاری است به عنوان علائمی که بر اصالت دلالت می‌کند و نه چیز دیگری. واقعیت هم چیز بیشتری نیست، حتی تا جایی که قانون علامت تجاری حاضر نیز مطرح بود.

بررسی خلاصه تاریخ قانون علامت تجاری در صورتی که فقط توسعه‌های ملی ذکر شود، کامل نخواهد بود. البته توسعه‌های ملی، تا اندازه‌ای به طور واقعی تحت تاثیر توسعه بین‌المللی بود و توجه ویژه باید به کنوانسیون پاریس شود که در جای خود مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد. کنوانسیون پاریس، مبنای بین‌المللی در زمینه مالکیت معنوی - از جمله علائم تجاری - است. این کنوانسیون، به وسیله توافق مادرید در ثبت بین‌المللی

علائم، تکمیل شد و در سال ۱۹۸۱ یک توافق خاص برای اعضای کنوانسیون پاریس امضا شد. نکته مهم از جنبه تاریخی در قانون علامت تجاری این است که به تصویب این

معاهدات بین‌المللی و تبدیل آن در قانون ملی کمک می‌کند.

در ایجاد قانون مالکیت صنعتی، تا حد استانداردهای بین‌المللی که تا امروز وجود دارد، کنوانسیون‌های بین‌المللی، تجسم نظرات مشترک جامعه بین‌المللی در قانون مالکیت صنعتی است و استانداردهای این معاهدات، در قوانین داخلی به طور مکرر اجرا شده است. به ویژه زمانی که این کنوانسیون‌ها مورد تجدیدنظر قرار گرفت.

### ج) حق انحصاری اثر ۳

عقیده حمایت از حق انحصاری اثر، با ظهور اختراع صنعت چاپ شروع شد. این اختراع، امکانی برای کپی کردن کارهای ادبی به وسیله ماشین چاپ به جای کپی به وسیله دست ایجاد نمود. این امر به ظهور یک تجارت جدید منجر شد. چاپ‌کننده‌ها و فروشندگان کتاب، در انگلیس نوشت افزار فروش نامیده می‌شدند. این تجار مبالغ قابل توجهی را در خرید کاغذ در معاملات یا چاپخانه‌ها، سرمایه‌گذاری کردند و به استخدام کارگران که متضمن هزینه بود اقدام کردند تا به برگشت سرمایه در یک دوره زمانی معقول نایل آیند. در این شرایط، بدون هیچ‌گونه حمایتی در مقابل رقابت در فروش کپی‌های غیرمجاز، سرمایه‌گذاری در امر چاپ و فروش کتاب‌ها یک وضعیت متزلزل داشت و از خطر بالایی برخوردار بود و مقداری از سرمایه‌گذاران ورشکسته شدند. صنعت چاپ، با مقداری حمایت رشد کرد و این حمایت در قالب امتیازات به وسیله مجوزهای مختلف توسط

پادشاهان در انگلیس و فرانسه و در آلمان توسط شاهزادگان ایالت‌های مختلف ایجاد می‌شد.

این امتیازات، به دارندگان برای تجدید چاپ و توزیع با شرایط محدود، حقوق انحصاری اعطا می‌کرد و به آنان این توانایی را می‌داد تا به وسیله جریمه و ضبط و نتایج تعدادی از اصول طراحی سیستم حق انحصاری اثر ارائه شد که امروزه ما آن را می‌شناسیم. در اواخر قرن ۱۷، سیستم امتیازات، یعنی اعطای حقوق انحصاری توسط سلطنت، بیش از پیش مورد انتقاد قرار گرفت و مولفین، ادعا راجع به حقوق‌شان را افزایش دادند.

این موضوع در انگلیس در سال ۱۹۰۷ به آنچه که به عنوان اولین قانون حق انحصاری اثر شناخته شد، منجر گردید. قانون ملکه آن ۴ این قانون برای تشویق یادگیری و تضمین مالکیت کپی کتاب‌ها برای مالکان تدوین شده بود. از این رو اصول اساسی آن مقرر می‌کرد که مولف یک کتاب، از حق انحصاری برای چاپ و انتشار آن برای ۱۴ سال از تاریخ اولین انتشارش بهره می‌برد. البته مولف می‌توانست آن حق را بفروشد و این مورد معمولاً برای یک فروشنده کتاب به کار می‌رفت.

آن قانون، همچنین مقرر کرد که در پایان اولین دوره ۱۴ ساله، یک دوره حمایت بعد شروع شود که در ابتدا به شرط حیات به مولف تعلق دارد و در مجموع، این یک دوره، حمایت حق چاپ را برای ۲۸ سال پس از تاریخ اولین انتشار ایجاد می‌کرد. در مورد

کتاب‌هایی که تاکنون چاپ شده بود از زمان تصویب قانون، یک دوره حمایتی ۲۱ ساله فقط وجود داشت. تاکید آن قانون بر این حمایت، در مقابل کپی کردن‌های غیرمجاز از کارهای منتشر شده بود و در عمل، دارندگان اصلی، ناشران و کتابفروشان بودند. ضمناً می‌بایست ذکر شود که قانون هر دو موضوع، یعنی ثبت و شرط امانت را الزامی کرد. کتاب‌های منتشر شده می‌بایست در انجمن ناشران ثبت شود. کپی‌ها می‌بایست برای استفاده به دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها سپرده می‌شد (که در نهایت در مجموع ۹ نسخه باید منتشر می‌شد).

در قرن ۱۸، اختلافات بی‌وقفه و احقاق حق در همه روابط بین استمرار حق چاپ در حقوق انگلیس و حق چاپ در قانون آن وجود داشت. این موضوع در نهایت به وسیله خانه لردها در پرونده دونالدسون ۵ در سال ۱۷۷۴ حل و فصل شد. در آنجا رای داده شد که در حقوق انگلیس، مولف حق انحصاری چاپ و انتشار کتابش را دارد. این حق در کارها منتشر نشد و باقی ماند تا اینکه قانون سال ۱۹۱۱ حق چاپ را منسوخ کرد و امروز حق چاپ در انگلیس به طور انحصاری توسط قانون باقی مانده است.

توسعه تدریجی از سیستم امتیازات به یک سیستم حق چاپ، جزئی از تغییرات عمومی در حیات فرانسه بود که به وسیله انقلاب آن کشور ایجاد شد. بر این مبنا امتیازات از هر نوع - که شامل امتیاز ناشران نیز بود - منسوخ شد و مجلس قانونگذاری دو حکم در سال‌های

۱۷۹۱ و ۱۷۹۳ تصویب کرد که این احکام، تاسیسی بنیانی برای سیستم حق چاپ فرانسه بود.

حکم سال ۱۷۹۱، برای مولف یک حق اجرای عمومی در سرتاسر دوران زندگی اش و حتی برای ۵ سال بعد از مرگش به نفع وارثین و انتقال گیرندگان تضمین می کرد و حکم سال ۱۷۹۳ نیز یک حق انحصاری به مولف برای چاپ مجدد کارهایش در سرتاسر دوران زندگی و حتی برای ۱۰ سال بعد از مرگش به نفع وارثین یا انتقال گیرندگان او می داد. ما می توانیم بلافاصله یک تفاوت نگرش بین این قانون با قانون «آن» ۶ در انگلیس ببینیم. در

فرانسه، این حقوق به عنوان حقوق مولفین تعریف شد و آن حق در سرتاسر دوران زندگی مولف مورد استفاده واقع می شد و هرگز به یکی از دو مورد انتشار یا مطاوعت از تشریفات مثل ثبت موکول نبود.

به هر حال، هر دو کشور انگلیس و فرانسه، به نظر می رسد که از سال ها پیش دارای حقوق مالکیت بوده اند که تنها متضمن ارزش اقتصادی حمایت شده برای مولف یا وارثین یا انتقال گیرندگان آن بود.

توسعه بعدی، با توجه به پیدایش مفاهیمی در فلسفه آلمان به وسیله فیلسوفانی مثل کانت ایجاد شد. او می گفت که حق چاپ یا حقوق مولفین، فقط یک حقی است که متضمن یک نفع اقتصادی برای مولف یا مالک حق نیست بلکه ادبیات مولف و کار خلق شده، به

عنوان ظهور و انعکاس شخصیت مولف در نظر گرفته می شود و مطابق با انصاف جا دارد که به عنوان یک بخش از شخصیتش مورد حمایت واقع شود. این مفهوم، به توسعه حق چاپ در قاره اروپا کمک کرد و به ترغیب حق غیرمادی بر پایه روابط متقابل (بین جامعه و هنرمندانش و بین هنرمند و اثرش) یا حقوق اخلاقی (نه حقوق اقتصادی مولف) منجر شد.

با تکمیل این بررسی تاریخ مختصر در اروپا، جا دارد تا این موضوع در ایالات متحده آمریکا نیز مورد بررسی قرار گیرد. در سال ۱۹۷۶، قانون کپی رایت فعلی ایالات متحده تصویب شد. قانون کپی رایت در ایالات متحده، به طور مشابه بر اساس اصول مقررات قانون انگلیسی «آن» بود. بنابراین، اولین قانون فدرال آمریکا که در سال ۱۷۹۰ تصویب شد، مقرر کرد که حمایت از کتابها، نقشهها و نمودارها برای یک دوره ۱۴ ساله از اولین انتشار است که این دوره، می توانست تجدید شود، به شرط آنکه مولف در خاتمه اولین دوره هنوز زنده باشد. این موضوع، تابع الزامات دقیق ثبت و تودیع آن بود.

این وضعیت، در قانون ایالات متحده تا سال ۱۹۷۶ باقی ماند. قانون حاضر زمانی تصویب شد که حمایت، به دوران زندگی مولف به علاوه ۵۰ سال تغییر کرد. بنابراین همه کشورهای دیگر با قوانین کپی رایت هماهنگ شدند در هر حال در ۱۹۷۶ هنوز الزامات ثبت و تودیع که ریشه در قانون «آن» سال ۱۷۰۹ انگلیس داشت، باقی ماند. به طور خلاصه، تفاوت مفاهیم ذاتی بین دو سیستم حقوق عرفی ۷ و حقوق مدون ۸ به شرح زیر



است: کشورهای تابع سیستم حقوق عرفی در واقع به حق چاپ به عنوان یک نوع مالکیت می‌نگریستند که قابلیت خلق شدن توسط یک شخص یا گروه مولف را دارد و برای بهره‌برداری تجاری به همان صورت و یا هر نوع دیگری از مالکیت به کار می‌رود.

حقوق سازنده، به طور انحصاری به تضمین بهره‌مندی از قوه اقتصادی آن حق هدایت شد. در کشورهای پیرو سیستم حقوقی مدون حق مولف همچنین به داشتن شاخص‌های مالکیت توجه دارد و قانون حق چاپ، به حمایت مضامین اقتصادی - با همان روشی که در حقوق عرفی به آن پرداخته شد - توجه می‌کند اما در اینجا یک تفاوت قابل قبول نیز وجود دارد و آن جنبه اضافی بر حقوق مولف است. یعنی آن مفهوم فلسفی یا معنوی کار یک مولف که در واقع بروز شخصیت وی بوده است و بنا بر عدالت و انصاف جا دارد تا حمایتی بیش از یک قوه اقتصادی از آن صورت گیرد.

#### د) اختراع و تکنولوژی<sup>۹</sup>

تکنولوژی، به عنوان دانشی سیستماتیک، برای ساخت یک محصول یا ارائه یک سرویس در صنعت کشاورزی یا تجارت تعریف شده بود. خواه این دانش در یک اختراع یا یک الگوی سودمند، یک طرح صنعتی یک نوع ماشین، یا در اطلاعات فنی به شکل اسناد، در مهارت‌ها یا تجربه کارشناسان برای طراحی، نصب، اجرا یا حفظ یک دستگاه صنعتی یا تجهیزاتش یا برای مدیریت یک شرکت صنعتی یا تجاری یا فعالیتش تبلور یافته باشد. باید

مورد توجه قرار گیرد که در این تعریف تکنولوژی بر دانش مبتنی است اما همه دانش را شامل نمی‌شود. دانش باید سیستماتیک باشد.

می‌توان گفت:

اول - دانش باید سیستماتیک باشد، بدین معنی که سازماندهی شود تا یک مسئله را پاسخ دهد.

ثانیا - دانش باید در یک جا به صورت مکتوب یا در فکر یک شخص موجود باشد و آن علم آشکار شود یا قابلیت نمایان شدن را داشته باشد. بنابراین، قابلیت انتقال پیام به وسیله یک شخص به دیگران را به هر روشی داشته باشد.

ثالثا - دانش باید به یک نتیجه هدایت شود، یا به عبارت دقیق‌تر برای خدمت به یک هدف مفید در صنعت، کشاورزی یا تجارت باشد. در این خصوص، می‌تواند دانشی باشد که برای ساخت یک محصول استفاده خواهد شد. همچنین برای مثال ساخت یک نوع تلویزیون یا برای ساخت یک لامپ تصویر که یک جزاز یک دستگاه است یا برای ساخت یک ماشین و نیز برای مثال یک دستگاه تولیدی که پیچ یا مهره خواهد ساخت که برای بستن پایه لامپ تصویر در جعبه تلویزیون مورد نیاز خواهد بود.

دانش می تواند در کاربرد یک روش استفاده شود. برای مثال، روشی برای استحکام یا پوشش سیم برق که برای اتصال لامپ به بخش های دیگر دستگاه تلویزیون مورد نیاز خواهد بود.

می تواند دانشی باشد که در استخراج منابع طبیعی از زمین استفاده شود. برای مثال، استخراج از معادن آهن، سنگ معدن، یا ذغال سنگ یا بهره برداری از حفاری برای نفت یا دریا (برای مثال تحصیل نمک از آب شور).

می تواند دانشی برای کاشتن بذرها باشد. برای مثال چه نوع و چه مقدار کود در پرورش گیاهان نوع و مقدار سم حشره کش یا اینکه برداشت یک محصول، چه وقت و با چه وسائل ماشینی انجام شود. می تواند دانشی باشد که در طرز عمل یک ماشین یا در حفظ آن مفید است. همچنین می تواند دانشی باشد که به بسته بندی محصولی کمک کند که ساخته شده یا محصول کشاورزی که رشد کرده است و یا دانشی باشد که مزیت تولید یا محصول را برای استفاده کننده یا مصرف کننده توضیح دهد و از این رو، به فروش آن محصول کمک می کند.

یک اختراع، یک مصداق دانش سیستماتیک است. یعنی دانش سازماندهی شده با یک نگرش به ارائه یک راه حل برای یک مسئله فنی. مثال دیگر، الگوی سودمند آن است. در آن صورت، پروانه اختراع ثبت شده و همچنین حل آن مسئله در یک شکل کتبی تعریف

شده است که آن شکل کتبی، سند پروانه صادره و منتشر شده به وسیله مراجع دولتی است. این سند، همچنین حقوق انحصاری خاصی را به مالکش اعطا می‌کند و همچنین سازنده روش‌هایی است که با تعریف آن می‌توان راه‌حل‌های مناسب را به دیگران منتقل کرد. گواهی نمونه مفید یا عکاسی یا ارائه گرافیک دیگر از یک طراحی صنعتی، به دلیل اینکه پروانه ثبت اعطا شده یا تحت همان قانون ثبت شده است، به یک وظیفه مشابه موظف می‌شود. بنابراین، چنین اختراعی یا نمونه سودمند یا طراحی صنعتی یک تکنولوژی خاص است که در یک روش و شکل خاص توصیف و نمایان شده است.

ه) رقابت غیرمنصفانه ۱۰

یکی از عناصر مالکیت صنعتی، حمایت در مقابل رقابت غیرمنصفانه است. چنین حمایتی، در مقابل اقدامات رقابتی که برخلاف رویه مشروع در تجارت یا صنعت است، به کار برده می‌شود. حیطه فعالیت‌ها و رویه‌هایی که به عنوان رقابت غیرمنصفانه توصیف شد، بسیار گسترده‌تر است. کنوانسیون پاریس، سه رویه را به عنوان رقابت غیرمنصفانه مشخص کرده

است:

۱) اقداماتی که موجب سردرگمی به هر وسیله‌ای شود، چه با ایجاد کالا یا فعالیت‌های

صنعتی یا تجاری یک رقیب.

۲) ادعاهای اشتباه در موارد تجارتي که موجب تردید در کالاها یا فعالیت‌های تجاری یا صنعتی یک رقیب شود.

۳) مسئولیت برای اخبار یا ادعاهای مورد استفاده در دوره تجارت، برای اینکه ماهیت، مراحل ساخت، ویژگی‌ها، مقاصد صحیح یا کمیت کالاها افکار عمومی را گمراه کنند. دوازده رویه قضائی دیگر نیز به عنوان رقابت غیرمنصفانه در شرح روش حقوقی کشورهای در حال توسعه در علائم، نام‌های تجاری و اقدامات غیرمنصفانه رقابت مشخص شده که عبارتند از:

۱) اعطای رشوه به خریداران یک رقیب، برای تضمین یا ابقای حمایت آنها.

۲) دستیابی اسرار کسب یا اسرار تجاری یک رقیب، با جاسوسی یا رشوه دادن به مستخدمین او.

۳) استفاده یا افشای بدون مجوز اسرار و دانش فنی یک رقیب.

۴) اغوای مستخدمین یک رقیب به تخلف از قراردادهای استخدامی یا به ترک کارفرمایان.

۵) تهدید رقیب با شکایت‌هایی برای ثبت اختراع یا تخلف از علائم تجاری، در صورتی

که با سوءنیت و به منظور کاهش تجارت و عقب‌نگه داشتن آنها در رقابت انجام شود.

۶) تحریم تجاری برای ممانعت یا عقب‌ماندگی از رقابت.

۷) صدور کالا و فروش آن به زیر قیمت، با قصد عقب‌انداختن رقیب و جلوگیری از

رقابت سالم.

۸) تاثیر بر مشتری، با ایجاد یک فرصت برای خرید با شرایط غیرمتعارف، زمانی که چنین

وضعیتی ضرورت ندارد.

۹) نمونه‌سازی عین کالاها، سرویس‌ها، انتشارات یا اشکال دیگر تجارت یک رقیب.

۱۰) استفاده یا تشویق به نقض قرارداد به وسیله رقیب.

۱۱) تبلیغ موثر با مقایسه کالاها یا سرویس‌های رقبای دیگر.

۱۲) نقض مقررات حقوقی به طور غیرمستقیم در مورد رقیب برای کسب یک سود

غیرمنصفانه از راه چنین تخلفی.

در مورد توسعه تاریخی در کشورهای مختلف، حقوق رقابت غیرمنصفانه، قانون اساسی،

مجموعه اصول مدنی، وضعیت حقوقی و قوانین خاصی به وجود آمده است. قانون رقابت

غیرمنصفانه می تواند به موضوعات علائم تجاری، نام تجاری و تخلفات، طبقه بندی شود و به آن یک حمایت تکمیلی، علاوه بر قوانین مالکیت صنعتی خاص اعطا کند. تا آنجا که حتی می تواند جبران در موضوعاتی که موجود نیست، به موجب چنین قوانینی مقرر نماید (برای مثال، یک علامت ثبت نشده در یک کشور که ثبت مبنای انحصاری برای حمایت از علائم تجاری تحت آن قانون است. آن علامت می تواند در مقابل تخلفات تحت قانون رقابت غیرمنصفانه مورد حمایت قرار گیرد).

به هر حال با ممنوعیت های پیش بینی شده در قانون رقابت غیرمنصفانه می توان با عدم صداقت تجاری - حتی در موضوعاتی که شاخه های دیگر حقوق مالکیت صنعتی برای آن مقرراتی را تدارک ندیده اند - برخورد کرد.

آن چیزی که غیرمنصفانه یا نادرست است به طور گسترده به وقایع اجتماعی و اقتصادی در محل و زمان انجام آن بستگی دارد. این امر، ایجاب می کند که قانون رقابت غیرمنصفانه به طور خاص، مناسب با اوضاع و احوال و واقعیات تغییر یابد. قانون رقابت

غیرمنصفانه می تواند یک چارچوب حقوقی استوار را تدارک و حتی استانداردهای منعطف را برای تنظیم و درخواست اقدامات مقرر کند. آن استانداردها نیز می تواند در همان زمان حساس در شرایط اقتصادی و اجتماعی ویژه در یک کشور خاص تغییر یابد و این یک امر موثر برای مبارزه با موارد خاص در رویه های تجاری نادرست که مایه نگرانی است، شود.

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)



پی نوشت ها:

Patent -۱

Trade marks -۲

Copyright -۳

Anne -۴ ملکه بریتانیا در سال های ۱۶۶۵-۴۴۷۱

Donalson -۵

Anne -۶

Commonlaw -۷

Civil law -۸

Invention and Technology -۹

Un Fair Competition -۱۰